

## رشد اقتصادی

بیژن جانی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی - دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۴ شیراز

b.jani.s.m@gmail.com

### چکیده

توسعه به طور فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است، توسعه جریانی چند بعدی را شامل می‌گردد و در برگزیده بسیاری عوامل می‌باشد. مفهوم رشد برخلاف مفهوم توسعه از پیچیدگی کمتری برخوردار است و بیشتر بر دگرگونی کمی تاکید دارد، در علوم اجتماعی بیشتر رشد اقتصادی مطرح است. در واقع رشد هر جامعه تغییرات کمی در سطوح فنی، صنعتی و کشاورزی است. شاخصهای بسیاری جهت اندازه‌گیری رشد مطرح گردید اما مفهوم رشد اقتصادی را با هرگونه افزایش در تولید ناخالص ملی، مجموع حجم کالا و خدمات که در کشور صورت می‌گیرد و درآمد سرانه، همانند می‌دانند. عواملی چند در رشد اقتصادی موثرند: جمعیت، فرهنگ، نیروی انسانی، سرمایه و صنعت به نظر می‌رسد رشد اقتصادی بدون ارتباط و رفع موانع تمامی متغیرها فوق‌نا ممکن است. این پژوهش با هدف بررسی رشد اقتصادی و عواملی چند از آن به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: توسعه (development) ، رشد (growth) ، رشد اقتصادی (economic growth) ، تولید ناخالصی ملی (G N P) ، کمی (quantity)

## مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم و پس از استقلال سیاسی که در بسیاری از کشورها بی که قبلا تحت سلطه ی استعماری بودند. گرایش عمده ای بسوی توسعه اقتصادی، اجتماعی در جهان به وجود آمد. فاصله ی بسیار عمیقی که در طی چند سده میان جهان توسعه یافته از یک سو و جهان سوم از سوی دیگر ایجاد شده بود، به شدت در میان ملتها و رهبران کشورهای عقب مانده احساس می شد. در این جهت مکاتب گوناگونی (نوسازی - وابستگی - نظام جهانی) ارائه گردید و نظریات متفاوتی بیان نمودند.

به منظور دستیابی به رشد اقتصادی بسیاری از کشورها مسیرهای گوناگونی را براساس رویکردهای توسعه طی کردند و موفقیت ها و عدم موفقیت هایی نیز بدست آمد. رشد و تحول جامعه نیاز به عواملی چند دارد که در برخی کشورها این عوامل موجود و در برخی دیگر کمیاب می باشند. تغییرات و دگرگونی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیازی انکار ناپذیر است.

پژوهش فوق که با هدف بررسی عواملی که در رشد اقتصادی هر جامعه ایی موثر است، به نگارش درآمده است. اگرچه تجزیه و تحلیل رشد اقتصادی به دلایل متعدد همچون نامشخص بودن معیارهای اندازه گیری تقریبا مشکل می باشد اما برآنیم تا اساسی ترین متغیرها را بررسی نماییم.

توسعه<sup>۱</sup>-رشد<sup>۲</sup>

«توسعه جریانی است چند بعدی و پیچیده که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. علاوه بر افزایش و بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای عمومی مردم است، توسعه در بسیاری موارد حتی آداب و رسوم و عقاید مردم در بر می گیرد» (از کیا، ۲۷ : ۱۳۸۱)

همانگونه که اشاره گردید، توسعه ابعاد بسیاری را شامل می گردد، اما «رشد اقتصادی عبارت است از افزایش شاخصهای کمی در سطوح فنی، صنعتی و کشاورزی است. در تعریف رشد تاکید بیشتر بر جنبه های اقتصادی هر جامعه است که شاخص و معیار رشد به شمار می آید. رشد یکی از شاخصهای توسعه است. معمولا مفهوم رشد با شاخصهای افزایش درآمد ملی، مجموع حجم کالا و خدمات در کشور صورت می گیرد سنجیده می شود.» (لهسایی زاده، ۶-۵: ۱۳۸۲)

رشد اقتصادی نسبت به مفاهیمی چون توسعه مفهومی یک بعدی است و با شاخصهای کمی قابل اندازه گیری است. رشد اقتصادی به برون زا<sup>۳</sup> و درون زا<sup>۴</sup> تقسیم می گردد.

<sup>۱</sup> . development

<sup>۲</sup> . growth

<sup>۳</sup> out ward

<sup>۴</sup> in ward

## اندازگیری رشد

مفهوم رشد را با هرگونه افزایش تولید ناخالص ملی (GNP)، یعنی مجموع حجم کالا و خدمات که در کشور صورت می‌گیرد و یا درآمد سرانه، همانند می‌دانند. البته بسیاری از اقتصاد دانان و نظریه پردازان اقتصادی به دلایل متعدد با مفهوم تولید ناخالصی ملی مخالفند.

در عدم پذیرش تولید ناخالص ملی به عنوان یک معیار اندازه‌گیری رشد اقتصادی دلایلی ذکر می‌گردد از جمله: بی‌توجهی به مساله قاچاق کالا، میزان کار زنان خانگی و در دسترس نبودن آمار کالاهای تولیدی یک جامعه و دلایلی نیز در عدم پذیرش درآمد سرانه نیز مطرح می‌گردد، مثلاً کشور کوچکی مثل قطر دارای درآمد سرانه بیشتری از بسیاری از کشورهای توسعه یافته دارد. بنابراین رشد اقتصادی را بر مبنای بسیاری از مفاهیم و متغیرهای قابلیت اندازه‌گیری دیگری بنا نهاده اند که با توجه به تواناییهای گوناگون جامعه تحت تأثیر متغیرهای مختلف قرار گرفته می‌شوند.

## عوامل رشد اقتصادی

عوامل و شرایط بسیاری در امر رشد اقتصادی می‌توانند دخیل گردند که در این مقوله به پاره ای از آنان اشاره خواهیم کرد.

جمعیت<sup>۱</sup> و رشد اقتصادی در تبیین اهمیت مطالعه جمعیت و رشد این زمینه علمی به دولت‌ها و نظام برنامه‌ریزی فرصت می‌دهد تا برای آینده خود برنامه‌ریزی نمایند؛ یعنی در زمینه‌های آموزش، اشتغال، مسکن و نظایر آن تدابیر و سیاستهای مورد نظر را اتخاذ نمایند. از این رو عامل جمعیت به عنوان زیر بنای هر گونه برنامه توسعه در جوامع مختلف مطرح است. «چنانکه در نظریه رشد هارولد<sup>۲</sup> می‌بینیم تغییرات جمعیت و محصول سرانه به نسبت تغییرات و موجودی سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد و از انتساب کمی معیارهای جمعیت و محصول سرانه و سرمایه روابطی به دست می‌آید که در صدد ترقی‌زا از نظر رشد طبیعی و غیر طبیعی مشخص می‌نماید.» (از کیا، ۱۶: ۱۳۸۱)

«از نظر تسیرمان<sup>۳</sup> رشد اقتصادی به مفهوم تطابق رشد محصول اجتماعی (درآمد ملی) با رشد جمعیت است.» (همان، ۱۷). بنابراین تحولات جمعیت هم از بعد ذهنی و هم از بعد عینی، تأثیرات مهمی بر شکل‌گیری و گسترش مسائل و بحران‌های اجتماعی در جهان معاصر داشته است.

## فرهنگ<sup>۴</sup> و رشد اقتصادی

آثار محققان توسعه در دهه‌های ۷۰-۸۰ میلادی نظیر مک کله‌لند، پیتر بائر و اورت هیگن بر تغییرهای الگوهای جامعه‌پذیری، انگیزه پیشرفت و خصلت‌های اخلاقی منطبق با توسعه اقتصادی تاکید داشت. (احمد زاده کرمانی، ۹۴: ۱۳۹۰).

<sup>1</sup> population

<sup>2</sup> Harold

<sup>3</sup> Tesirman

<sup>4</sup> Culture

« برخی جامعه شناسان بر این باورند که مرحله ای از رشد، شکسته شدن ارزشهای اجتماعی که به صورت موانع توسعه وجود دارند و جامعه در این مرحله یکباره وارد مرحله اقتصادی صنعتی می گردد.» (لهسایی زاده، ۵: ۱۳۸۲). بنابراین تغییر ارزشها و نگرش های اجتماعی بدون تغییر فرهنگی ناممکن به نظر می رسد. توسعه فرهنگی<sup>۱</sup> به معنای کنار گذاشتن فرهنگ های نامناسب رشد چاره ناپذیر است البته به معنای گسستن از سنت های گذشته نیست. تأکید بر عامل فرهنگی در توسعه اقتصادی انکارناپذیر است.

### نیروی انسانی کارآمد و رشد اقتصادی

از جمله ابعاد انکار ناپذیر رشد نیروی انسانی کارآمد می باشد. اولین و شاید مهمترین عامل جوامع صنعتی می تواند مربوط به نیروی کاری باشد، که صنعت اقتضاء می کند و آن تحرک نیروی کار است.» (شیخی، ۴۲: ۱۳۸۵)

رشد بدون صنعتی شدن که افزایش درآمد ملی و افزایش مجموع حجم کالا و خدمت را در پی دارد ناممکن می نماید. در تولید و فرآوری که در پرتو صنعتی پدید می آید و برای این منظور لوازمی مورد نیاز است:

۱- سرمایه ۲ - نیروی انسانی ۳ - دستیابی به دانش فنی ۴ - سازماندهی (آشفته تهرانی، ۱۲۰: ۱۳۷۸)

نیروی انسانی بخصوص نیروی بهینه و تربیت شده توسط دولت ها، (آموزش دیده) توجه ویژه ای را می طلبد. در این راستا مکاتب بسیاری همچون مکتب روابط انسانی<sup>۲</sup> به آن دست یافته است و به اهمیت گوه های کوچک در سازمان ها و نیروی انسانی تأکید دارد.

### سرمایه و رشد اقتصادی

هارود<sup>۳</sup> تراکم سرمایه را عامل اساسی رشد می انگارد (ازکیا، ۱۶: ۱۳۸۱) و «صنعتی شدن مستلزم جابجایی سرمایه است، کمبود سرمایه در غالب کشورهای در حال توسعه یکی از بزرگترین موانع صنعتی شدن محسوب می گردد. صنعتی شدن [و در نتیجه رشد اقتصادی] مستلزم سرمایه گذارهایی قابل ملاحظه ای است و غالباً به دلیل فقر عمومی، در این کشورها امکان جمع آوری ثروت وجود ندارد.» (گی روشه، ۱۶۹: ۱۳۷۷)

سرمایه در هر ساختار اقتصادی که در پی آن رشد و توسعه را در پی دارد، غیر قابل انکار می باشد. دست یابی به سرمایه مورد نیاز در راستای اشاعه اقتصادی دشوار می باشد اما به نظر می رسد، توجه به پتانسیل های موجود و توانایی ها راهی در رستیابی به سرمایه می باشد.

### صنعت و رشد اقتصادی

جوامع صنعتی که خود متولی و آغازگر صنعت بودند، سریع و به گونه ایی غیره منتظره شاهد دگرگونیهای وسیع صنعتی بودند. و در نتیجه روش زندگی آنها از سایر جوامع تغییر کرد. جوامع صنعتی به دلایل گوناگون به رشد اقتصادی دست یافتند البته فرآیند صنعتی شدن و توسعه یافتگی به گونه ایی عمومی و تنگ تنگ به نوسازی علوم، به ویژه جریان شهرنشینی

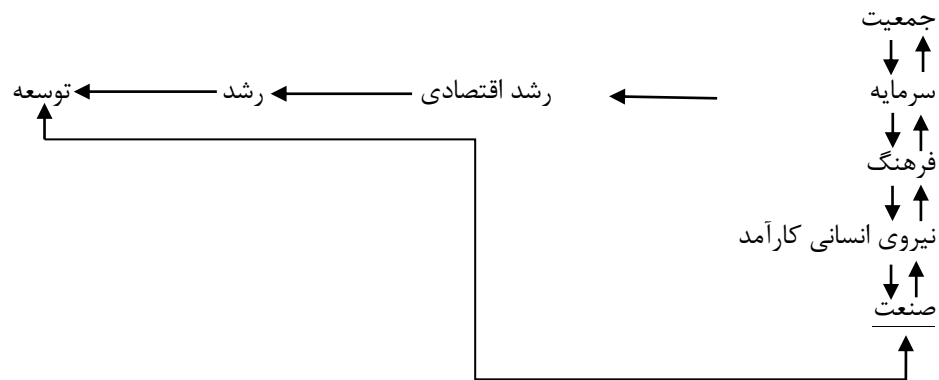
<sup>1</sup> Cultural Development

<sup>2</sup> Human Relation

<sup>3</sup> . Harold

توسعه علمی و تکنولوژی، نوسازی و نظایر آن وابسته است. دست یابی به این جریان سخت ولی رشد اقتصادی از مسیر صنعتی شدن می گذرد.

### نتیجه گیری



مفهوم توسعه امروزه قالبی جهانی به خود گرفته است و تمامی جوامع در پی آن می باشند، گر چه این مفهوم کم و بیش سابقه ای حدود پنج قرن در جوامع صنعتی دارد، طی چند دهه اخیر سرعتی بیشتر به خود گرفته است. «مدل تغییراتی که در سه بخش از جوامع در حال توسعه صورت می گیرد مشتمل است بر: دگرگونی های اقتصادی، دگرگونی های اجتماعی و دگرگونی های فرهنگی و روانی می باشد.» (گی روشه، ۱۶۸: ۱۳۷۷)

رشد اقتصادی به دگرگونی اقتصادی نیاز دارد بدون رشد اقتصادی که تغییرات کمی در سطوح فنی، صنعتی و کشاورزی در پی دارد بنظر نا ممکن می آید در این مقوله به بررسی برخی از اساسی ترین عوامل رشدی که دگرگونیها را ایجاد می کنند، پرداخته ایم هیچ جامعه ای بدون جمعیت، قابل تصور نمیباشد. «افزایش جمعیت در کشور های پیشرفته در طی سالیان دراز و همراه با پیشرفت اقتصادی صورت گرفته است، از سوی دیگر افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه با وضع اقتصادی و توامان مالی کشور با تولید مواد خوراکی و گسترش صنعت هماهنگی ندارد.» (آشفته تهرانی، ۳۳: ۱۳۷۸)

به همین دلیل توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه از عوامل اساسی در توسعه جمعیت مناسب می باشد، جمعیت می تواند از جمله عوامل ایجاد شهر نشینی باشد. که خود می تواند مانع و یا کمکی به توسعه و رشد اقتصادی باشد. جمعیت و در پی آن نیروی انسانی بهینه و کارآمد نیز در این زمینه فراموش نشدنی است.

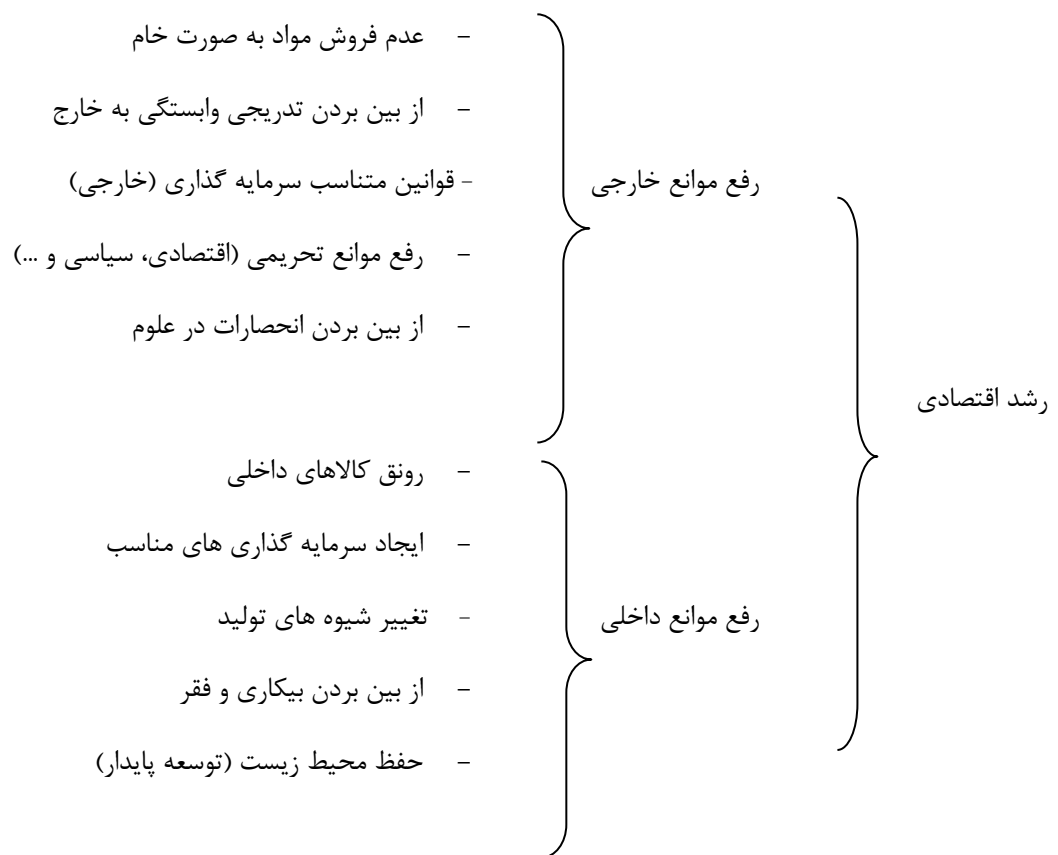
وابستگی متقابلی بین عوامل جمعیتی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد. «هانری ژان در این مورد نقش دو عامل اقتصادی و فرهنگی را در رابطه با عامل جمعیت بایستی مورد توجه قرار گیرند، توجیه می نماید. منابع انرژی محیط و امکان پیشرفت تکنولوژی می باید به حد کافی جوابگوی احتیاجاتی که نتیجه افزایش جمعیت است، باشند و چنانچه این عواملی موجود نباشند، پیشرفت تکنیکی حاصل نخواهند شد و جامعه سیر قهقرایی خواهد نمود.» (گی روشه، ۴۳: ۱۳۷۷)

«فرهنگ و جامعه صنعتی اثر متقابل بر یکدیگر دارند. به دنبال پیدایش صنعت در ابعاد مختلف آن، فرهنگ نیز به طور تحت تأثیر قرار گرفته است. به دنبال صنعت مجموعه فرهنگی به ویژه در جوامع صنعتی به طور وسیع تحت تأثیر قرار گرفت؛ حالتی پویا به خود گرفت، و با آن خود حتی موجبات تقویت و توسعه صنعتی را فراهم آورد.» (شیخی، ۳۶: ۱۳۸۵)

حرکت صنعتی با توسعه شهرها که نتیجه افزایش جمعیت است هرچه بیشتر تقویت می گردد و پیدایش صنعت نیاز به نیروی انسانی کارآمد و سرمایه دارد. از سویی نیز جایگزینی منابع صنعتی با منابع سنتی، یا همان توسعه، زیرساختهای لازم از جمله: سواد، ارتباطات، راه و نظایر آن می بایست فراهم آید. از سویی سرمایه و از سویی دیگر فرهنگ پیشرفت و توسعه صنعتی را در راستای این تغییرات همراهی می نمایند.

سرانجام آنچنانکه میردال می گوید: «رشد و توسعه اقتصادی همواره یک مسأله اجتماعی-سیاسی و فرهنگی بوده است و توروپ معتقد است که ایده توسعه اقتصادی باید جای خود را به مفهوم وسیع تری چون توسعه اقتصادی - اجتماعی بدهد.» (ازکیا، ۱۸: ۱۳۸۱)

به نظر می رسد بدون رفع پاره ای موانع رشد اقتصادی که به عوامل بی شماری وابسته می باشد، ناممکن است. این موانع که به نوعی ویژگی جوامع توسعه نیافته است به قرار ذیل می باشد که بدون آن ها رشد و توسعه ناممکن است.



#### منابع

- آشفته تهرانی، امیر، جامعه شناسی جهان سوم، انتشارات پیام نور، (۱۳۷۸)، تهران.
- احمدزاده کرمانی، روح اله، فرهنگ و رسانه، نشر چاپار، (۱۳۹۰)، تهران.
- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه، نشر کلمه، (۱۳۸۱)، تهران.

- ازکیا، مصطفی، مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ ششم، (۱۳۸۱)، تهران.
- شیخی، محمدتقی، جامعه شناسی توسعه، نشر هریر، (۱۳۸۵)، تهران.
- گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، چاپ هشتم، (۱۳۷۷)، تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی، جامعه شناسی توسعه، انتشارات پیام نور، چاپ دوم، (۱۳۸۲)، تهران.